

Research Article
**An Explanation of the Nature of Digital Currency and Its
Buying and Selling with the Approach of
Individual Jurisprudence**

Abbas Jalili¹

Marzieh Pilehvar²

Ali Sadeghi Shahpar³

Received: 12/11/2021

Accepted: 25/11/2022

Abstract

Digital currency is an economic idea derived from the development of modern computer technology, which has provided a new context for investment and money transfer for humans. Since the entry of digital currency into the economy of countries, the supervision of governments in the financial field faces challenges, for this reason some countries deal with this issue with more caution and sensitivity. Considering the entry and activity of digital currency in our country and the doubts and ambiguities that exist on this issue from a jurisprudential point of view, it is necessary for the Islamic Republic of Iran, as a Shia government, to respond to these ambiguities. In this article, it has been tried to explain

1. PhD student in Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan. abbas_jalili2002@yahoo.com.
2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan (corresponding author). Pilehvar.ma@gmail.com.
3. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan. sadeghishahpar@gmail.com.

* Jalili, A., Pilehvar, M., & Sadeghi Shahpar, A. (1401 AP). An Explanation of the Nature of Digital Currency and Its Buying and Selling with the Approach of Individual Jurisprudence. *Biannual Journal of Jurisprudential Principles of Islamic Law*, 15(30), pp. 339-365.

Doi: 10.30495/jijl.2022.70387.1613.

the nature of digital currency and its buying and selling with the approach of individual jurisprudence. The current article is descriptive and analytical and explains the topic using the library method. From the perspective of individual jurisprudence, the nature of digital currency has been adapted and examined in the structure and framework of the company contract, the Ja'ala contract and Hiyazat Mobahat (Possession of free and ownerless property).

Keywords

Digital currency, jurisprudential nature, individual jurisprudence, buying and selling.



دو فصلنامه علمی - تخصصی مبانی فقهی حقوق اسلامی
سال ۱۵ • شماره ۲ • پاییز و زمستان ۱۴۰۱ • شماره پیاپی ۳۰

مقاله پژوهشی

تبیین ماهیت ارزش دیجیتال و خرید و فروش آن با رویکرد فقه فردی

عباس جلیلی^۱ مرضیه پیلهور^۲ علی صادقی شهپر^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۰۴

چکیده

ارزش دیجیتال یک ایده اقتصادی برگرفته از پیشرفت فناوری نوین رایانه‌ای است که بستری جدید در جهت سرمایه‌گذاری و شیوه انتقال پول را برای بشریت فراهم کرده است. از آنجا که ورود ارزش دیجیتال به اقتصاد کشورها، نظارت دولت‌ها را در حوزه مالی با چالش‌هایی مواجه می‌کند، به همین علت برخی از کشورها با احتیاط و حساسیت بیشتری نسبت این موضوع برخورد می‌کنند. با توجه به ورود و فعالیت ارزش دیجیتال در کشور ما و تردیدها و ابهاماتی که از منظر فقهی به این موضوع وجود دارد، ضروری است جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک حکومت شیعی، پاسخگویی این ابهامات باشد. در این مقاله سعی شده به تبیین ماهیت ارزش دیجیتال و خرید و فروش آن با رویکرد فقه فردی پرداخته شود. مقاله پیش‌رو، توصیفی تحلیلی بوده و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به تبیین موضوع پرداخته است. از منظر فقه فردی، ماهیت ارزش دیجیتال در ساختار و چارچوب عقد شرکت، عقد جعاله و حیازت مباحات مورد تطبیق و بررسی قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها

ارزش دیجیتال، ماهیت فقهی، فقه فردی، خرید و فروش.

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان.

abbas_jalili2002@yahoo.com

۲. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان (نویسنده مسئول).

Pilehvar.ma@gmail.com

۳. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان.

sadeghishahpar@gmail.com

* جلیلی، عباس؛ پیلهور، مرضیه و صادقی شهپر، علی. (۱۴۰۱). تبیین ماهیت ارزش دیجیتال و خرید و فروش آن با رویکرد فقه فردی. فصلنامه علمی - تخصصی مبانی فقهی حقوق اسلامی، ۱۵(۳۰)، صص ۳۳۹-۳۶۵.

Doi: 10.30495/jjil.2022.70387.1613

مقدمه

از مهم‌ترین موضوعات در حوزه تجارت الکترونیک که امروزه بسیار مورد استقبال قرار گرفته، بحث ارز دیجیتال است. پدیده‌ای از شبه‌پول در اقتصاد جهان که دارای مزایا و معایبی است و اجرای آن‌ها در شبکه‌های مجازی در معاملات اقتصادی جهانی تأثیرات زیادی را به‌جای گذاشته است. این فناوری نوین و پیچیده برگرفته از تکنولوژی جدیدی به نام بلاک‌چین و به‌کارگیری از آن در بستر فضای مجازی است. فناوری ارز دیجیتال جهت انجام مبادلات و تراکنش‌های مالی در سطح جهانی مورد استفاده کاربران فضای مجازی قرار گرفته است.

کشور ایران در مسیر توسعه و پیشرفت و فرصت‌های پیش‌آمده از این ابزارهای الکترونیکی و همچنین تهدیدهای حاصل از آن قرار دارد که در صورت عدم اقبال و پاسخگویی علمی و فقهی به موضوعات روز باید منتظر ضرر و آسیب‌های ناشی از آن بود. مقام معظم رهبری به‌عنوان فقیهی جامع‌الشرایط با آینده‌نگری و دوراندیشی خاص در بیان اهمیت فضای مجازی در شورای عالی فضای مجازی کشور فرمودند: «توسعه فضای مجازی در دهه‌های اخیر از عظیم‌ترین نشانه‌های تحول جهانی است؛ واقعه‌ای که اثرات عمیق آن هرروز در ابعاد اقتصادی، سیاسی، امنیتی و فرهنگی در عرصه‌ی ملی و بین‌المللی نمود بیشتری پیدا می‌کند» (رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۴).

با توجه به بیانات حکیمانه رهبر معظم انقلاب، توصیه و تأکیدات ایشان، بهره‌گیری از فرصت‌ها و مواجهه با آسیب‌ها و رصد این فضای روبه‌پیشرفت است و یکی از مهم‌ترین آثار این بستر، اثربخشی فضای مجازی بر تجارت و اقتصاد نظام اسلامی است. پس در خصوص ارزهای دیجیتالی که با خلق پول‌های اعتباری روبه‌رو می‌شویم، این مسئله را مورد بررسی قرار دهیم که ارز دیجیتال از حیث فقه فردی در چه قالب‌هایی مطرح شده و چه ماهیتی دارد؟ در حوزه کشورهای اسلامی این ذهنیت وجود دارد که آیا ماهیت این ارزها و معاملات آن‌ها مشکل شرعی دارد که برای تبیین و تشریح موضوع از رویکرد فقه جزء‌نگر با همان فقه فردی می‌پردازیم که از لحاظ رویکرد فقه فردی این ارزها در قالب عقود فقهی جعاله، حیازت مباحات و مشارکت مورد تحلیل و بازبینی قرار می‌گیرند.

پیشینه پژوهش

حسینی مقدم، سید حسن و همکاران (۱۳۹۸) مقاله‌ای با عنوان «تحلیل وضعیت زنجیره‌های بلوکی و معاملات ارزهای دیجیتال از منظر حقوق ایران و فقه امامیه» به چاپ رساندند. در این مقاله، نویسندگان بیان کرده‌اند اینترنت اشیاء، مفهومی بدیع در ادبیات فنی حقوقی فضای سایبر است که مولد مفاهیمی چون بلاک چین و ارز دیجیتال است.

رضایی صدرآبادی، محسن و همکاران (۱۳۹۸) مقاله‌ای را تحت عنوان «تحلیل فقهی و حقوقی مبادله ارزهای قابل استخراج در اقتصاد اسلامی» در فصلنامه علمی و پژوهشی اقتصاد اسلامی به چاپ رسانده‌اند. در این مقاله با توجه به اهمیت مسائل شرعی و گسترش تهدیدها و فرصت‌های پدیده‌های فضای مجازی و لزوم تعیین موضع مناسب در خصوص مبادله و معامله با این ارزها، به مسئله شناخت دقیق ارزهای مجازی و تحلیل انواع آنها پرداخته است.

تفاوت مقاله حاضر با سایر تحقیقات انجام گرفته از این حیث است که در تبیین ماهیت ارز دیجیتال، رویکرد فقه فردی را مدنظر قرار داده و منحصراً در سه ساختار و چارچوب فقهی، موضوع را مورد تطبیق و تبیین قرار داده است.

۱. مبانی نظری پژوهش

۱-۱. مفهوم پول در نظام پولی اسلام

۱-۱-۱. ماهیت پول (نظام پول اسلامی)

با توجه به تعاریف متفاوت از پول و کارکردهای آن، می‌توان گفت هرچند بحث از تعریف پول است، اما آن چیزی که باید گفت این است که همان‌گونه که فقها و اصولیون در مقام تعریف به آن اشاره کرده‌اند و در علم منطق هم آن را مطرح کرده‌اند، بحث در خصوص جامعیت و مانعیت است. ارتباط معرّف و معرّف از میان نسبت‌های چهارگانه باید مساوی باشند به این معنا که معرّف نباید اعم و یا اخص باشد؛ یعنی هر چیزی که معرّف بر آن صدق کرده است مصداق معرّف نیز باشد و برعکس (صدرالدین شیرازی، ۱۰۵۰ق، ص ۳۱۲) در

ارتباط با پول هم همین گونه است و در این باره باید گفت که مفهوم باید به آثار و لوازم و ... اشاره کند. در ارتباط با پول کافی است بگوییم به جای آن که دنبال تعریف واحد باشیم می‌بایست اثربخشی و شرایط پول را از جهت شرعی بودن ارزیابی کرده و تعریف را روی الزامات اثربخشی ببریم. در نظام پولی اسلامی از کارکرد پول انتظاراتی است که شامل موارد زیر است:

۱. آنچه در بررسی‌های مختلف از سوی اندیشمندان مطرح شده، این است که پول جهت تبادل و معامله خلق شده است و هر چیزی که اقبال به قرار گرفتن به‌عنوان مصداقی برای تبادل جدا از نوع، جنس و ... قرار گیرد می‌تواند عنوان پول را برای آن برشمرد که بر این مسئله یعنی اقبال کلی و گسترش آن در جامعه روایت‌های زیادی وجود دارد که برخی از آن‌ها در بحث‌های قبلی مورد اشاره قرار گرفتند (وسیله تبادل).

۲. توازن داشتن پول است که این توازن موجب استقرار عدالت در نظام اقتصادی می‌شود که از ارزش پول سرچشمه گرفته است (وسیله سنجش ارزش).

۳. موجب رونق در نظام اقتصادی می‌شود که این عمل خود ناشی از این است که پول به‌تنهایی هدف ندارد و هم‌چنین وسیله‌ای برای برطرف کردن نیازهای جامعه است. (وسیله ذخیره ارزش بودن). با این بررسی که هر عملی که بتواند دارای عملکردی باشد که در فوق بیان شد، می‌تواند به‌عنوان نوعی از مصادیق پول در نظر گرفته شود.

۱-۱-۲. منشأ پول

در اسلام منشأ پول را می‌توان نتیجه ارتباط میان عناصر نظام پولی اسلام یعنی عرف به‌حساب آورد؛ بنابراین در پاسخ به این سؤال که منشأ پول چه است، همین مسئله است که از آنجا که پول در اسلام عنوان عرفی را دارد و مردم جهت رفع احتیاجات خود در معامله‌ها مواردی را بیان می‌کنند که ممکن است این موارد به‌عنوان پول در جامعه در حال توسعه باشد.

۱-۱-۳. ارزش پول

در جواب به اینکه چه زمانی پول دارای ارزش می‌شود، باید گفت با در نظر گرفتن این

نکته که اصل حق و ثبات پول که یکی از اصول اساسی در نظام پولی از دیدگاه اسلام است، در سیستم و نظریه پول از دیدگاه اسلام، در وهله اول باید شرایط ثبات نسبی ارزش و پایداری و ثبات پول رعایت شود. بعد از این مرحله، شرط معلومیت در پول از لحاظ اسلامی مانند پول‌های کالایی و مسکوکات فلزی می‌بایست دارای ارزش ذاتی باشند و یا اینکه اگر امر اعتباری باشد حتماً باید در عالم واقع ارزشمند باشد و معتبر کردن چیزی بدون مابه‌ازا کردن آن در اسلام مورد تأیید نیست.

۲-۱. مفهوم ارز دیجیتال

ارز دیجیتال در دو شیوه غیرمتمرکز و متمرکز انجام می‌شود. ارز دیجیتال غیرمتمرکز یک شبکه همتا به همتا یعنی نقطه به نقطه است که حاصل توافق تعدادی از کاربران است که نرم‌افزار ارز دیجیتال را در رایانه خود داشته و با کمک اینترنت به یکدیگر وصل می‌باشند، در ارزهای غیرمتمرکز همه چیز به توافق و اجماع طرفین معامله دارد (رفیعی، ۱۳۹۷، ص ۱۸). معنای دیجیتال که نیز ماهیت الکترونیکی ارز است. برای استفاده از علم و تکنیک رمزنگاری در خلق این ارزها مورد توجه قرار گرفته است. ارزهای دیجیتالی را نباید با فیات یکی دانست.

ارز فیات نوعی ارز واقعی است که پول ملی نامیده می‌شود. ارز واقعی، نوعی اسکناس است که دولت به عنوان پول رایج خود آن را تعیین می‌کنند. همین‌طور ارز کارکردهای فوق را دارد. ارز دیجیتال متمرکز برعکس ارز غیرمتمرکز مدیریت واحد دارد و برای مدیریت آن مقرراتی وجود دارد که اختیار خارج کردن آن‌ها از چرخه گردش وجود دارد. در میان این ارزها می‌توان به دلار لیندن اشاره کرد (محمودی، ۱۳۹۸، ص ۵۱۱). ارز مجازی غیرمتمرکز فاقد مدیریت متمرکز است و اداره عملکرد آن توسط کاربرانی از سراسر جهان صورت می‌گیرد. بیت کوین، لایت کوین و ریپل نمونه‌هایی از این موارد هستند (آذرینوار، ۱۳۹۶، ص ۹۸).

نداشتن ماهیت فیزیکی از دیگر شرایط این نوع ارزهاست؛ به این معنا که این پول شبیه اسکناس نیست و به صورت اینترنتی ذخیره شده است. افزون بر این که قابلیت دست‌کاری را به وسیله افراد ندارد (جلالی فراهانی، ۱۳۸۹، ص ۴۷). سیستم‌های ارز دیجیتال از شبکه‌های

محاسباتی توزیع امن که رمزنگاری شده‌اند استفاده می‌کنند تا ارزش اقتصادی را مبادله و از تعداد بیشتری از برنامه‌های کاربردی نرم‌افزارها پشتیبانی کنند (سیاه بیدی، ۱۳۹۷، ص ۲۷).

۳-۱. تفکیک بندی پول و جایگاه ارزهای دیجیتال

با ظهور ارزهای دیجیتالی و توسعه آن‌ها، شکل جدیدی از پول به نظام مالی و پولی دنیا اضافه شد؛ زیرا هدف ارزهای دیجیتالی این بود که نظارت و حاکمیت دولت‌ها را کاهش بدهند؛ بنابراین، هدف اولیه آن‌ها طبقه‌بندی پول و جایگاه ارزهای دیجیتالی در میان سایر پول‌هاست. در تقسیم‌بندی پول را از جهات مختلف می‌توان مورد بررسی قرارداد که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱-۳-۱. تفکیک بندی پول بر مبنای ارزش ذاتی یا پشتوانه‌ای

ارزش ذاتی داشتن پول، یکی از دسته‌بندی‌های پولی است که بر این مبنا پول را به دودسته پول کالایی^۱، پول فیات^۲ تقسیم‌بندی کرده‌اند. پول کالایی پولی است که به صورت ذاتی دارای ارزش است و می‌تواند مورد مبادله قرار گیرد. پول‌های کالایی در گذشته به صورت فلز و طلا بوده و توسط انسان‌های اولیه مورد دادوستد قرار می‌گرفت.

پول فیات برعکس پول کالایی است که ارزش ذاتی نداشته و تنها توسط دستور دولت ایجاد می‌گردد. و اگر مردم آن را در مبادلات خود استفاده نکنند، هیچ ارزشی ندارد. پول برخی از کشورهای دنیا از جمله ایالات متحده آمریکا از انواع پول فیات است این پول‌ها تا زمانی که قابلیت اعتماد را دارند که از سوی مردم و دولت مورد قبول واقع شود و تا زمانی که بی‌اعتباری آن‌ها از سوی دولت اعلام نشود، هم چنان اعتبار دارند.

۲-۳-۱. تفکیک پول بر مبنای وضعیت حقوقی

بعد از ظهور ارزهای دیجیتالی، برای اولین بار در سال ۲۰۱۲، بانک مرکزی اتحادیه اروپا

1. Commodity Money.

2. Fiat Money.

اقدام به انتشار نتایج مطالعات گسترده و قابل توجهی درباره پول‌های دیجیتالی کرد. بر مبنای این نوع طبقه‌بندی می‌توان گفت شکل پول به دودسته فیزیکی و دیجیتالی قابل تقسیم است (گزارش بانک مرکزی اروپا، ۲۰۱۲، ص ۱۱). بر مبنای تعریف کارگروه مالی علیه پول‌شویی، ارزهای دیجیتالی نوعی ارزش هستند که می‌توانند به صورت مجازی مورد دادوستد قرار بگیرند و هم‌چنین به‌عنوان واسطه در معاملات، واحد شمارش و یا ذخیره ارزش مورد استفاده قرار گیرند، اما درعین حال پول در چنین شرایطی وضعیت قانونی را ندارد. (Satoshi, 2009: p14).

۲. چالش‌های فقهی پیش روی ارزهای دیجیتالی

۲-۱. ارز دیجیتال و عدم مالیت ثمن

عدم مالیت ثمن یا مثن در معامله‌ای که ارز دیجیتال یکی از عوضین باشد، از دیدگاه فقهی مورد تأمل است، یکی از شروط اصلی در عقد بیع، مالیت داشتن عوضین است (نابینی، ۱۴۱۳ق، ص ۳۶۵)؛ به بیانی دیگر، موضوع تعهد باید در بازار قابلیت معامله را داشته باشد تا بتوان از آن به‌راحتی استفاده کرد. این عملکرد اتفاق نمی‌افتد به‌جز اینکه در معامله منفعتی وجود داشته باشد.

۲-۲. ارز دیجیتال و مالیت اعتباری آن

مالیت داشتن ارز دیجیتال را می‌توان یک مالیت اعتباری دانست و ارزش آن به پشتوانه اقبال عمومی و اعتمادی است که نسبت به آن وجود دارد، اما موضوع مهم این است که در پول‌های امروزی و پول‌های مدرن خلق پول و اعتبار پولی، توسط دولت انجام می‌شود، اما در ارزهای دیجیتال مفهوم پشتوانه و مالیت اعتباری متفاوت می‌شود؛ زیرا ارزش اعتباری این نوع پول‌ها و ما به ازای حقیقی آن مشخص نیست و از لحاظ شریعت، ابهاماتی از جمله اینکه اعتبار پول‌های دیجیتال در عالم واقع از چیست و آیا این نوع اعتباریات مبنای شرعی و عقلی دارند، وجود دارد.

۲-۳. ارزش دیجیتال و مثلی و یا قیمی بودن آن

همان‌طور که بیان شد، ارزش دیجیتال از نظر مالیت مانند اسکناس مالیت اعتباری دارد و اگرچه در اعتبار و ارزش واقعی آن اختلاف نظر وجود دارد، ولی از این جهت که مالیت آن اعتباری است، می‌توانیم در مورد مثلی و یا قیمی بودن این مالیت با اسکناس به یک صورت در نظر بگیریم.

از مباحث مهم فقهی درباره پول اعتباری، بحث مثلی یا قیمی بودن آن است. مشهور فقها پول‌های طلا و نقره را که ارزش ذاتی دارند، مثلی می‌دانند، اما درباره پول‌های اعتباری دیدگاه‌ها متفاوت است. برخی تقسیم‌بندی به مثلی و قیمی را ویژه اموال حقیقی می‌دانند و معتقدند پول اعتباری نه مثلی و نه قیمی است.

برخی پژوهشگران که اسکناس با پشتوانه قانونی یک مال مثلی است و در این باره می‌گویند: پول‌های کاغذی اگرچه مال مثلی است، مثل آن فقط همان کاغذ نیست، بلکه هر چیزی است که قیمت حقیقی آن را مجسم و بیان می‌کند. از این رو اگر بانک هنگام بازپرداخت سپرده‌ها به سپرده‌گذاران قیمت حقیقی آنچه را دریافت کرده پردازد، مرتکب ربا نشده است؛ لذا با توجه به مثلی بودن پول‌های اعتباری می‌توان گفت کسی که صاحب مقداری از ارزش دیجیتال است، صاحب چند عدد در فضای مجازی نیست. کما اینکه وقتی فردی می‌گوید من فلان مقدار ارزش دیجیتال دارم، منظورش این نیست که من صاحب فلان اعداد و معادلات در حافظه رایانه هستم، بلکه منظورش این است که صاحب قدرت خرید این پول مجازی است و می‌توان مثلی بودن را در مورد آن بررسی کرد.

۲-۴. ارزش دیجیتال، پشتوانه و صادرکننده آن

این نوع از ارزش‌ها به پشتوانه سایر ارزش‌ها ایجاد شده که به وسیله مخترعین آن اداره می‌شوند و مخترعین این ارزش، آن‌ها را پشتیبانی و مدیریت می‌کنند. در این ارزش برخلاف ارزش‌های با پشتوانه فیات، جایگاه حکومت کم‌رنگ است و مطلب مهمی که در اینجا لازم است گفته شود این است که با توجه به اینکه ارزش‌های دیجیتالی دیگر که پشتوانه این نوع ارزش می‌باشند، اعتباری هستند.

۲-۵. ارزش دیجیتال و غیرمادی بودن آن

مال مادی مالی است که ماهیت فیزیکی داشته و در عالم خارج می‌توان آن را حس کرد و قابلیت لمس شدن را دارند. مال مادی مانند اتومبیل، گوشی، اموال غیرمادی اموالی هستند که افزون بر اینکه ماهیت فیزیکی ندارند، در فضای بیرون هم فضایی را اشغال نکرده‌اند. افزون بر اینکه قابل لمس هم نیستند؛ مثل سرقفلی. ارزشهای دیجیتال هم همانند این اموال هستند و با توجه به اینکه ارزشهای دیجیتال قابل لمس نیستند، عملکرد برخی از آنها در مقایسه با اموال مادی دیگر، تفاوت‌های آشکاری را دارند (سلیمانی‌پور، ۱۳۹۶، ص ۴۹).

۲-۶. ارزش دیجیتال، منقول یا غیرمنقول بودن

قانون‌گذار در مواد ۱۲ و ۱۹ قانون مدنی، اموال منقول و غیرمنقول را تعریف کرده است و افزون بر تعریف شرایطی را هم برای تفکیک میان دو مال تعیین کرده است. از دیدگاه قانون مدنی مال منقول، مالی است که قابلیت جابه‌جایی فیزیکی از یک مکان به مکان دیگر را دارد، بدون اینکه اینجا به جایی به مال صدمه و یا خسارتی وارد کند. با توجه به مواد قانون مدنی می‌توان گفت تقسیم‌بندی درباره اموال مادی قابلیت بررسی را دارد و درباره اموالی که فاقد ماهیت فیزیکی هستند، قابلیت طرح را ندارد، اما با بررسی سایر مواد قانون مدنی به ویژه ماده ۲۰ این قانون باید گفت همه دیون از جمله قرض و ثمن بیع و مال الاجاره عین مستاجر در خصوص آنها جاری است و با توجه به فواید عملی مختلف در این نوع تقسیم‌بندی‌ها، بررسی جایگاه ارزشهای دیجیتال دارای اهمیت زیادی در این نوع تقسیم‌بندی است؛ برای مثال، بیگانگان در برخورداری از اموال دیجیتال، محدودیتی ندارند و یا اینکه چنانچه الزامی در خصوص نقل و انتقال این اموال وجود داشته باشد، تنها توسط دفاتر ثبت اسناد رسمی وجود دارد که شامل این موارد نمی‌شود (جاویدنیا، ۱۳۸۸، ص ۴۲).

۲-۷. ارزش دیجیتال، مصرفی و یا قابلیت بقا

اموال مصرفی به اموالی گفته می‌شود که به محض استفاده از بین می‌رود و بهره از آن با بقای عین، وجود ندارد و در غیر این صورت مال قابل بقا به حساب می‌آید. از آنجاکه بین

کاربرد پول و قابلیت انتقال آن ملازمه وجود دارد، از آن به‌عنوان مال مصرفی یاد می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ص ۴۴). ارزش‌های دیجیتال هم به دلیل اینکه جزء شمول پول هستند، مال مصرفی محسوب می‌شوند و احکام این نوع از مال بر آن جاری می‌شود و به عنوان مثال نمی‌شود آن را وقف یا اجاره داد؛ زیرا موضوع عقد وقف و اجاره باید مال بقا باشد (رجبی، ۱۳۹۳، ص ۶۳).

در بیان خلاصه محتوای مذکور باید گفت ارزش‌های دیجیتال که ماهیتاً به‌صورت ارقام داده هستند، نوعی پول غیر فیزیکی به‌حساب می‌آیند که به خاطر داشتن استقلال وجودی و وابسته نبودن به مال دیگری، عین نه منفعت تلقی می‌شوند. ارزش‌های دیجیتال از نظر حقوقی مالی مثلی، منقول، معدود و مصرفی محسوب می‌شوند و باید آنها را در ذمه حقوق عینی قرار داد. ارزش‌های دیجیتال هم مانند کالا یا پول کالایی ارزش ذاتی ندارند و از طرفی مانند بیشتر پول‌های رایج امروزی فاقد پشتوانه لازم هستند، اما بحث پشتوانه در ارزش‌های رایج نسبت به ارزش‌های دیجیتال پررنگ‌تر است و این ضعف مهمی برای ارزش‌های دیجیتال است که مالیت آن‌ها را با مشکل مواجه می‌کند (نوری، ۱۳۹۸، ص ۴۷).

۳. نظریات فقهی پیرامون ارزش‌های دیجیتال

نظرات و دیدگاه‌های دانشمندان اسلامی را در باب ماهیت ارز دیجیتالی را می‌توان در دو گروه دسته‌بندی کرد؛ زیرا عده‌ای از محققان در تبیین ماهیت پول بر قدرت خرید آن توصیه کرده و عده‌ای دیگر از محققان بر ارزش اسمی بودن پول تأکید دارند که در ادامه به تحلیل آن می‌پردازیم.

۳-۱. نظریه قدرت خرید

در این باره شهید صدر پول‌های فعلی را همانند اموال مثلی دانسته که همانندی آنها در کاغذ و تعداد مکتوب آنها در کاغذ مشاهده نشده و همانند مالی است که قیمت آن انسجام یافته و دارای قیمت واقعی است. بر این مبنا در خصوص نظریه مثلی بودن پول می‌توان گفت همه واقعیت‌های پول در «قدرت خرید» جمع شده و قدرت خرید هم

همان موضوعی است که جزء مالیت دار بودن پول نبوده است. در این باره، آیت الله بجنوردی بیان کرده با توجه به بررسی های متعدد، اسکناس همانند موضوعی است که همه منابع معتبر را در بر دارد و دارای قدرت خرید و اعتبار مالیت و ارزش را هم در بر دارد. آیت الله بجنوردی این موضوع را مورد بررسی قرار داده و بیان کرده اسکناس همانند چیزی است که به وسیله منبعی معتبر، یعنی قانون گذار معتبر شناخته شده است. ایشان ماهیت پول را معتبر دانسته و قدرت خرید را توسط قانون گذار بیان کرده است (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۲، ص ۱۰۸).

۲-۳. نظریه ارزش اسمی

بر مبنای این نظریه، پول اعتباری از منظر پول بودن و ارزش معادله ای با پول حقیقی تفاوت نداشته و پول متوقف بر قدرت خرید آن نیست، بلکه دارای ارزش معامله ای است. افزون بر آن، چنانچه قدرت خرید همان قیمت معامله آن باشد و بعد از آن، پول مثلی نبوده و بلکه کالای واقعی باشد، فقها آن را قیمی ندانسته و آن را دارای ارزش مبادله ای می دانند (عبدی پور، ۱۳۸۹، ص ۶۳). فقهای معاصر در این باره بیان کرده اند معیار قرار دادن عرف در بیان موضوعات، مفهوم عرفی بوده و معتقدند اموالی مانند اموال مثلی تا زمانی معتبر هستند که قیمت اسکناس آن ها مشخص شده و آن چیزی که برای آن ها تعیین شده، کمتر از حد نباشد. هم چنین هر چند قدرت خرید کمتری را داشته باشد، اما به نظر می رسد که نظریه معتبر بودن مال صحت داشته باشد.

۴. تبیین ماهیت ارزش دیجیتال و استفاده از آن از حیث فقه فردی

آنچه از رویکرد فقه فردی استنباط می شود این است که هر آنچه مربوط به فرد و اعمال و رفتار و وظیفه یک مکلف به عنوان یک فرد در فقه باشد را فقه فردی می گویند که می خواهد وظایف و حقوق انسان را در نظر گرفته و توضیح دهد. فقهای شیعه در زمان عصر غیبت به علت نبودن حکومت اسلامی و دوری از حاکمیت بیشتر به حیطه فقه فردی پرداخته اند و به مرور زمان با توجه به بروز مسائل جدید در زندگی مردم و جامعه، استفتا کنندگان جهت رهایی از شبهه و تردید به مراجع تقلید رجوع می کردند و از همین رو

فقه فردی، فقه غالب در شیعه شد و رویکرد اساسی سؤالات و پاسخها نیز که بر پایه آن فتوا و احکام استنباط می‌شود، بیشتر فقه فردی و موضوعات ابتلائی فرد است. در تبیین فقهی ارزشهای دیجیتال نیز باید به جنبه فقه فردی توجه شود؛ بنابراین در ادامه بحث، ماهیت و به‌کارگیری و معاملات در سطح جزءنگر از رویکرد فقه فردی موردبررسی قرار گیرد.

۴-۱. ارزش دیجیتال در ساختار و چارچوب عقد شرکت

برخی معتقدند می‌توان ماهیت ارزش دیجیتال را در ساختار عقد شرکت تطابق داد؛ زیرا به‌عنوان نمونه از انواع ارزشهای دیجیتال مانند بیت‌کوین شبیه یک شرکت سهامی است و صاحبان دستگاه‌ها ارزش (ماینرها) به‌عنوان سهامداران آن مشغول به کار هستند. پس در نتیجه می‌توان مستند فقهی عقد شرکت را بر آن تطبیق داد، اما این نظریه محل بحث و ایراد است. شرکت تجاری، تعهدی میان دو یا چند فرد است که بر اساس آن هر یک از اعضا سهمی را به آورده و با آن، مالکیت هر شریک نسبت به سهمش منحل می‌گردد و آورده‌ها به مالکیت شخص حقوقی شرکت درمی‌آیند؛ بنابراین، سود و زیان هم به نسبت میان آن‌ها تقسیم می‌شود (توکلی، ۱۳۹۷، ص ۸۱).

در جایگاه تطبیق تعریف شرکت تجاری بر شرکت سهامی باید گفت اولاً استخراج‌کنندگان که به‌عنوان سهامدار این شرکت هستند، در آغاز کار هیچ آورده‌ای چه نقدی چه غیر نقدی به این شرکت ارائه نکرده‌اند، بلکه فقط فعالیتی را که به‌قصد ایجاد ارزش دیجیتال هستند آغاز کرده‌اند. ثانیاً، هنگامی که واحدی از این ارزشهای دیجیتالی به تملک استخراج‌کننده به‌عنوان پاداش درمی‌آید، در کیف پول قرار گرفته و دیگر استخراج‌کنندگان حقی برای تصرف در موجودی این کیف پول ندارند. ثانیاً مؤسسات سهامی جزئی از شرکت‌های تجاری هستند و نه مدنی. از این رو، نامیده شدن شرکت مدنی برای آن‌ها معنایی ندارد؛ زیرا فقها شرکت مدنی را به این بیان تعریف کرده‌اند: «اجتماع حقوق الملاک، فی الشی الواحد علی سبیل الاشاعه» (محقق حلی، ۱۴۰۹، ص ۳۴۷). در ماده ۵۷۱ قانون مدنی شرکت این‌گونه تعریف شده است: «اجتماع حقوق مالکیت متعدد در شی واحد به نحو اشاعه».

با توجه به تعاریف بیان شده اشاعه، اثر عقد شرکت است و مالکین متعدد از طریق اشاعه، در موضوع شرکت دخیل هستند و عمده تفاوت شرکت مدنی و شرکت تجاری در ایجاد شخصیت حقوقی در شرکت تجاری است. برخلاف شرکت مدنی. در نهایت، مالکیتی برای شرکت فرضی ایجاد نمی‌شود. در حالی که مالکیتی وجود نداشته و شرکت سهامی هنوز هم تشکیل نشده است و به دلایل اشاعه حقوقی استخراج کنندگان در میزان مشخصی از ارزش و به دلیل اشاعه حقوق استخراج کنندگان در میزان معینی از ارزش قابلیت استخراج آن بر شرکت تجاری و مدنی نیز قابل قبول نبوده است.

۲-۴. ارزش دیجیتال در ساختار و چارچوب حیازت مباحات

از جمله انطباق‌هایی که برای ماهیت ارزش دیجیتالی بیان شده، موضوع تطبیق آن با حیازت مباحات است؛ با این احتمال که ارزش‌های دیجیتالی که استخراج نشده‌اند، به این علت که مالک خاصی ندارند، پس به‌عنوان مالی هستند که قابلیت تملک را دارند و بعد از استخراج آن توسط صاحبان دستگاه (ماینرها) به خاطر فعالیت و اقدامی که انجام می‌دهند، مالک آن می‌شوند.

برای روشن‌تر شدن این موضوع، تعریف مختصری از حیازت مباحات به میان می‌آید: «حیازت مباحات یعنی ثروت‌های خدادادی و بکری که مالک خاصی ندارند و عامه مردم حق استفاده کردن از آن‌ها را دارند و هیچ‌گونه مانع شرعی جهت استفاده یا تملک آن‌ها وجود ندارد؛ مثل اموال گمشده، آب‌ها، مراتع، گیاهان، شکارهای خشکی و دریایی» (صدر، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۲۲). افزون بر اینکه ماده ۱۴۶ قانون مدنی بیان کرده است: «مقصود از حیازت، تصرف و وضع‌ید یا مهیا کردن وسایل تصرف و استیلا است». باید گفت وضعیت ید بر وجود بالفعل مالی است که موضوع حیازت بوده است؛ به دیگر سخن، حیازت مباحات تملک اموال آزاد است (بیات، ۱۳۹۸، ص ۹۳). در نتیجه، مال قبل از تملک باید وجود داشته باشد و بدون وجود آن، حیازتی محقق نمی‌شود؛ زیرا عنصر مادی حیازت، تصرف ید بر مال است، اما اینجا هم محل ایراد هست؛ زیرا در ارزش‌های دیجیتالی تا قبل از استخراج آن‌ها هیچ نوع ارزی وجود نداشت و استخراج علت خلق و ایجاد ارزش بوده و تا قبل از

استخراج، هیچ ارزی وجود نداشته و تصرف و انتفاع نیز منتفی بوده است. به همین علت، تطبیق ماهیت استخراج بر حیازت مباحات صحیح نیست.

۳-۴. ارزش دیجیتال در ساختار و چارچوب جعاله

احتمال و فرض دیگری که می‌توان در اینجا به آن اشاره و مورد تحلیل قرار داد انطباق ماهیت ارزش دیجیتال بر عقد جعاله است. امام خمینی علیه السلام در خصوص تعریف آن در کتاب تحریرالوسیله بیان کرده است: «جعاله یعنی الزام به عوض معینی بر رفتار معین و یا عبارت از انشا کردن التزام به آن و یا قرار دادن عوض معلوم برای چنین رفتاری است. این عمل آسان است و به ملتزم، جاعل گفته می‌شود و کسی که این کار را انجام داده است، عامل و به عوض جعل گفته می‌شود. جعاله نیز به ایجاب نیاز دارد و ایجاب نیز لفظی است که دلالت بر التزام دارد. ایجاب ممکن است عام یا خاص باشد؛ برای مثال، هر کس چهارپای من را برگرداند یا لباسم را بدوزد، برایش فلان چیزی است و یا اینکه خاص است؛ مثل اینکه به شخصی بگوید: "اگر چهارپایم را برگردانی، برایت فلان چیزی است و احتیاج به قبول ندارد (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۶۶۵).

طبق ماده ۵۶۷ قانون مدنی، وقتی عامل مستحق جعل می‌شود که متعلق آن را تسلیم یا انجام داده باشد. جعاله هر اقدامی است که از لحاظ عقلایی دارای منفعت شرعی است. در ماده ۵۷۰ ق.م به این موضوع اشاره شده که جعاله بر فعالیت‌های نامشروع و یا اعمال غیراخلاقی باطل است. این جمله با سخن شهید ثانی مشابهت کامل دارد.

با توجه به ماهیت جعاله باید گفت از نظر برخی محققان، در ارزش‌های دیجیتالی، دلیلی برای دریافت تلاش و پاداش در برابر فعالیت در زمینه ارزش‌های دیجیتال وجود دارد. همچنین به کارگیری و استفاده از ارزش‌های دیجیتال و استخراج آن، از جمله عملیاتی است که دارای جهات فنی پیچیده است.

برخی که اقدام به استخراج ارزش‌های دیجیتال و استفاده از آن‌ها کرده‌اند از جزئیات آن خبر نداشته و تنها از کلیات آن اطلاع دارند، اما جزئیات این عمل بر اساس منطق عقلایی بوده و در برابر اهل فن مشخص است. فعالان در این باره تنها نسبت به نتیجه استخراج و

دریافت پاداش اطلاع دارند و با عملیات استخراج، فقط تقاضای ایجاب مخترعان را قبول کرده‌اند، اما مسئله این است که خلق ارز دیجیتال که استخراج می‌شود، امری اعتباری بوده و اطراف واقعی این اعتبار به صورت کامل مشخص نیست؛ بنابراین، جهت بررسی و تبیین ماهیت این ارزها از جهت مالیت باید گفت که ارزش مبادله‌ای یا بر اساس امری واقعی است و یا بر اساس موضوع معین دارای اعتبار است. پس با توجه به اینکه رمز ارزها دارای اعتبار هستند، مسئله اعتبار آن‌ها دارای اهمیت اساسی است. در خصوص اعتبارات آن می‌توان گفت که بر اموری اطلاق می‌شوند که قائم به وجود بوده و می‌توانند در خارج انتزاع داشته باشند و حتی ممکن است انتزاع بیرونی هم نداشته باشند. در این باره، شهید مطهری معتقد است هرچند که علوم اعتباری جایگاه مهمی دارد، اما با برهان‌های عقلی اثبات‌ناپذیر است (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۵، ص ۳۶۲).

بر همین مبنا در ارتباط با صحت معاملات ارزهای دیجیتال باید گفت معاملات باید دارای منفعت عقلایی معتبر داشته و منع شرعی نداشته باشند؛ زیرا شارع آثار مالیت برخی از اشیایی که عقلاً با آن معامله می‌کنند را لغو کرده است؛ به این معنا که حکماً مال نبوده و شارع مالیت برخی از اشیا را کاملاً لغو کرده است. با توجه به موارد بالا باید گفت ارزهای دیجیتالی نوعی اعتبار هستند که شیوه اعتبار آن‌ها به صورتی است که هیچ سازوکاری در خارج ندارد. به همین علت، باید از جهت شرعی به این مسئله پرداخته شود که این شیوه دارای اعتبار معتبر و شرعی است یا خیر. جهت جواب به این مسئله، به نظر امام خمینی علیه السلام در این باره رجوع می‌کنیم. ایشان معتقدند گاهی تبدلات به دلایل مالیت آنها و گاهی به دلیل غرض دیگری می‌باشند. در نتیجه، در معاملاتی که سایر مقاصد عقلایی در آن‌ها موجود باشد را باید صحیح قلمداد کرد (امام خمینی، ۱۴۲۱ق، ص ۱۲).

در نهایت باید گفت که وجود مالیت و وجود ارزش بدون معین کردن اطراف ماهیت این ارزها در عقد جعاله کفایت نمی‌کند. افزون بر آن، استخراج ارزهای دیجیتال، تمام شرایط حاکم بر عقد جعاله را در بر دارند؛ زیرا مخترعین این ارزها از مخاطبین هدف خود را درخواست می‌کنند و همچنین با استفاده از سیستم سخت‌افزاری و نرم‌افزارهای لازم، عملیات بهره‌برداری را انجام می‌دهند. در مقابل، فعالیت‌کنندگان این

عرصه با شروع استخراج و در نتیجه تأیید تراکنش، مسئله جعاله را اجرا کرده است و مستحق جعل می‌باشند. در این زمینه با توجه به مطالب بالا، ابهام در کمیت و کیفیت بهره‌برداری و استخراج و هم‌چنین عدم معلومیت دقیق جعل مانعی برای صحیح بودن جعاله وجود ندارد.

تنها اشکالی که بر صحت موضوع وجود دارد استفاده و بهره‌برداری از ارزش‌های دیجیتالی است که هرچند ابهام اجمال در جعل وجود دارد و حتی با فرض وجود مالیت ارزش آن باید سنجیده شود، اما در صورت برطرف شدن موانع ارزش‌ها، تردیدی در صحت عقد جعاله وجود ندارد؛ به عبارت دیگر، ابهام اجمالی در جعل مانعی ندارد. این مانع در کلیه عقود معین و غیر معین وجود داشته و در صورت عدم رفع عملیات استخراج و بهره‌برداری باطل است و عقد صحیحی وجود ندارد. به همین دلیل در برخی از ارزش‌ها مانند بیت کوین احتمال وجود دارد که با توهم مالیت روبرو باشیم و مانند کسی که سکه بدل را به جای اصل می‌خرد در حالی که سکه بدل ارزشی ندارد و در بیت کوین هم این احتمال وجود دارد که با توهم پولی مواجه باشیم. در این فرض، جعل هم مالیت نداشته و جعاله هم باطل است.

۵. بررسی فقهی بیع ارز دیجیتال با رویکرد فقه فردی

از مهم‌ترین حوزه‌های محل بحث در زمینه ارز دیجیتال، بحث بیع و خرید و فروش آنهاست که با توجه به اهمیت احکام شریعت در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و همچنین توسعه روزافزون خرید و فروش این ارزها در کشور ما، ضروری است با نگرشی کلان به تحلیل فقهی این ارزها پرداخت. همچنین با توجه به ماهیت‌های مختلف ارزش‌های دیجیتال در اینجا سعی شده تا بیع و خرید و فروش این ارزها مورد تحلیل و بازبینی قرار گیرد.

در زمینه ابعاد فقهی بیع ارز دیجیتال باید گفت به‌طور کلی، بررسی فقهی فعالیت‌های اقتصادی و مالی در حال عبور وضعیت موجود به سمت فقه است و این به این معناست که نظریات ثبت شده در اقتصاد از یک جهت باید دارای حرکت فعالی بوده و توجه عامه را به خود جلب کند و از طرفی دیگر باید این رویه‌ها را از دو جهت فردی و حکومتی بررسی

نمود؛ بنابراین در این مقاله در موضوع بررسی فقهی خرید و فروش ارزهای دیجیتال نیز باید جنبه فقه فردی لحاظ شود.

لازم است بدانیم که ارز دیجیتالی خلق شده از زمان فرایند اثبات کار تا قبل از استفاده و بهره‌برداری و اینکه تحت مالکیت استفاده‌کنندگان قرار خواهد گرفت، هیچ پیشینه‌ای در دنیای واقعی از جهت وجودی نداشته و با ساختار اثبات کار و وجود اعتباری به این ارزهای دیجیتالی اعتبار داده می‌شود. در نتیجه، سه جنبه مهم در بررسی فقهی ارز دیجیتالی از حیث معامله‌ای باید تبیین شود. اهمیت این موضوع به این دلیل است که شرط صحت یک عقد از دید علما باید موضوع معامله، متعاملین، و جهت معامله جهت مشروع بودن باید دارای ویژگی‌هایی باشد که در صورت فقدان هر یک از این شرایط قرارداد اعتبار نخواهد داشت (یزدی، ۱۴۰۹ق، ص ۵۷۶؛ نائینی، ۱۴۱۳ق، ص ۴۶۹).

به علت مستحدثه بودن ماهیت این موضوع، باید تحلیل و تبیین شود که اولاً بر اساس شرط وجود ارزش و مالیت در مصداق پول، مالیت این ارزهای دیجیتالی بر مبنای چه سازوکاری توجیه شرعی دارد؟ ثانیاً به فرض وجود مالیت، آیا قواعد عام حاکم بر عقود که در حقوق و فقه مطرح شده، قابل تطبیق بر ماهیت این ارزهای دیجیتالی هست یا خیر؟

۵-۱. وجود ارزش و مالیت در ارزهای دیجیتالی

با در نظر گرفتن دیدگاه فقها در باب عقود و همچنین بند سوم ماده ۱۹۰ و ماده ۲۱۵ قانون مدنی، مال بودن مورد معامله، جزء شرط‌های صحت معامله است. با ارجاع تعریف‌های مختلف فقها (انصاری، ۱۴۱۱ق، ص ۱۱۰؛ امامقانی، ۱۳۱۶، ص ۴۲۴؛ نائینی، ۱۳۷۳، ص ۳۳۹) در ارتباط با مفهوم مال، مفهوم مشترک از این مفاهیم این است که هر دو عوض باید ارزش معامله را داشته باشند تا بخشش مال مثبت باشد و این روند به وجود نمی‌آید، مگر اینکه مورد معامله دارای نفعی باشد که برای کسب آن منفعت معامله شکل بگیرد.

با این وجود، این ارزش و بهای معامله یا بر مبنای امر واقعی مشخص می‌شود و یا با مسئله‌ای مشخص معتبر است. یا موضوع معینی اعتبار می‌شود و در عالم واقع دارای عینیتی نیست. با توجه به اینکه ارزهای دیجیتالی اعتباری‌اند، مسئله اعتباریات و ریشه آن بسیار

مهم است. در خصوص اعتبارات می‌توان به این جنبه اشاره کرد که اعتبارات بر ارکانی اطلاق دارند که منتهی به وجود اعتبارکنندگان است. از اعتبارات می‌توان به کلیات، جزئیات و ... اشاره کرد که در خارج منشأ خارجی پیدا کرده‌اند. هم‌چنین امکان دارد که اعتبار را از خارج نگرفته باشند و تنها ساخته ذهن انسان باشد (طباطبایی، ۱۳۸۷، ص ۶۶)؛ بنابراین، واقعیت در خصوص صحیح بودن دادوستد این است که عوضین معامله باید دارای منفعت عقلایی باشند و آن منوط به این است که ممنوعیت شرعی را نداشته باشند؛ زیرا حاکم مالیت بعضی از اشیا را به‌طور کامل لغو کرده و با توجه به مطالبی که بیان شد ارزشهای مجازی اعتبار دارند و نحوه اعتبار آنها نیز به صورتی است که جایگزینی در خارج نداشته باشند. این مسئله باید از منظر شرعی موردبررسی قرار بگیرد و این شیوه اعتبار معتبر را در آن دسته از ارزشهایی که از منظر شرعی صحیح هستند است یا خیر؟ برای پاسخ به این سؤال باید گفت که بسیاری از فقها اتفاق نظر بر این امر دارند که گاهی اوقات شکل‌گیری معاملات به دلایل مالیت آنها و گاهی نیز به دلایل دیگر است. درنهایت، مبادلاتی که دارای اهداف عقلایی هستند را در این موارد باید صحیح قلمداد کرد (امام خمینی، ۱۴۲۱ق، ص ۱۲).

محرز شدن منفعت عقلایی مذکور، به این شیوه است که منشأ عمل عقلا بر مبنای سهل‌انگاری نبوده باشد و بر پایه دقت استوار شده باشد. امام خمینی رحمته‌الله در این باره موارد تسامح را مورد تأیید قرار داده که در بررسی آن در اینجا به دلیل خروج موضوعی لازم نیست (امام خمینی، ۱۴۱۰ق، ص ۲۲۷) در کل باید گفته شود که اعتماد به سیره عقلای زمانی وجود دارد که عقلا بر اساس دقت نظر عمل کرده و این سیره در شرع مقدس هم نفی نشده باشد.

با توجه به موارد خاص که در مقام معاملات از این گونه ارزشها به‌عنوان یکی از عوضین معامله مورد استفاده قرار می‌گیرند، باید گفت این عرف برای این ارزشها مالیت داشته و سؤالی که باید به آن پاسخ داد است که آیا از این شیوه عرفی می‌توان به‌عنوان سیره عقلای استفاده کرد یا خیر. با توجه به اینکه سابقه‌ای برای این ارزشها وجود نداشته و مخاطبان این ارزشها از جمله استفاده‌کنندگان هستند و مشخص نیست که مخاطبین آنها اهلیت لازم را در

معاملات دارند یا خیر، احراز سیره عقلا با مشکلات زیادی برخوردار خواهد بود و از بنای عقلا از مالیت این ارزشها حاصل می‌شود.

همچنین فقها در حجیت سیره عقلا اختلاف نظر دارند و در قالب سه نظریه مطرح می‌شود. اول نظریه امضا یا احراز عدم ردع (حکیم، ۱۴۱۸ق، ص ۱۹۸). دوم نظریه اعتبار یا عدم احراز ردع (مغنیه، ۱۳۸۹، ص ۲۲۲) و سوم واگذاری برخی امور به عرف و عقلای جامعه توسط شارع (عیوضو، ۱۳۹۸، ص ۱۱۳). آنچه باید بدان توجه داشت که اگرچه سه نظریه با یکدیگر اختلاف مبنایی دارند، ولی در یک نقطه اشتراک دارند و آنکه اگر سیره عقلایی مورد مخالفت صریح شرع باشد، فاقد اعتبار است. در نهایت، حتی برفرض احراز سیره عقلایی بر مالیت این ارزشها اگر ماهیت آنها با شرایط عام فقهی در عقود در تعارض باشد این سیره فاقد اعتبار است.

۲-۵. معلوم بودن از حیث جنس، وصف و مقدار در ارزشهای دیجیتالی

از دیگر شروط صحیح بودن یک عقد، معلوم بودن مورد معامله است. خرید و فروش ارزشهای دیجیتالی به مانند یک عقد است که در صورت خرید و فروش یا معاوضه ارزشهای دیجیتالی از سوی طرفین، تعهد به پرداخت یک عوض را در مقابل طرف دیگر می‌کنند که حالا این عوض یا شامل یک ارزش دیجیتالی است یا شامل یک کالا است.

در جایگاه مبادله یا خرید و فروش ارزشهای دیجیتالی، جدا از معین بودن یا غیر معین بودن عقد برگرفته از این معامله، باید گفت یکی از شروط مهم معلوم بودن عوضین در عقود است؛ زیرا از دیدگاه فقها در صورت فقدان این عامل مهم در عقد به خاطر بروز وجود غرر در معامله، آن عقد باطل است. قانونی مدنی در ماده ۱۹۰ بند سوم، و ماده ۲۱۶ به این موضوع اشاره کرده است.

در فقه اسلامی جهت اثبات بحث معلوم بودن عوضین به عنوان شرط صحت عقد، به دلایل متعددی استناد کرده‌اند. اولین دلیل، استناد به قاعده نفی غرر در معامله است که با توجه کلام فقها به نظر می‌رسد که در صحت این قاعده در بین فقها اتفاق نظر وجود دارد. همان گونه که در کتاب وسایل الشیعه (عاملی، ۱۱۰۴ق: ص ۹) و مستدرک الوسائل (نوری،

۱۴۰۸ق، ص ۷) به نقل شیعه و سنی استناد کرده‌اند. مدارک بسیاری وجود دارد که هیچ اشکالی در صحیح بودن آنها نیست و به گونه‌ای که یکی از محققان یعنی محقق نائینی آن را از جمله واجبات امت اسلامی معرفی کرده است (امام خمینی، ۱۳۹۲، ص ۲۰۴). این قاعده از روایت: «نهی النبی ﷺ عن بیع الغرر» حاصل شده است، ولی معامله در خصوص روایات مسئله‌ای وجود ندارد و حتی با القای خصوصیت در تمام عقود جاری می‌گردد.»

دومین روایتی که در زمینه بیع مکیل وجود دارد و مفهوم آن باطل بودن معامله‌ای است که مورد معامله نامعلوم باشد؛ مثلاً امام صادق علیه السلام فرمودند: «یکره ان یشتري الثوب بدینار غیر درهم انه الیدری کم الدینار من الدرهم» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۹) هرچند که این روایت مربوط به معامله است، اما با توجه به نبود برخی از آن‌ها به عنوان یک امر توافقی عقلی وجود دارد، می‌توان خصوصیت آن را لغو کرد. همان‌گونه که در روایت بالا امام صادق علیه السلام خرید لباس با قیمت یک دینار را باطل شمرده و در خصوص آن فرموده که معین نیست دینار چند برابر دهم است و این باعث شده معامله باطل باشد؛ بنابراین نتیجه جهل موضوع معامله، فساد معامله است.

سومین دلیل هم استناد به روایتی دارد که در خصوص بیع سلم و روایت دیگر بر نفی جزاف در بیع نظر داشته است که در خصوص آن‌ها می‌توان به روایت: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَا كَانَ مِنْ طَعَامٍ سَمَّيَتْ فِيهِ كَيْلًا فَلَا يَصْلُحُ مُجَاوِزَهُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۷۹) اشاره کرد. در این باره شاهد آن‌هم در برخی روایات، بحث سلم در خصوص متاع است، اما تنها به طول و عرض در ضمن آن ذکر شده است؛ در حالی که طول و عرض تنها در برخی از کالاها موضوعیت دارد و در برخی دیگر وجود ندارد. هدف از بیان روایات اشاره به مواردی است که در این روایت‌ها بر موضوع پول روایت داشته و در واقع این روایت‌ها شاهد مثال‌هایی بر معلومیت ارزش پول و معلومیت ماهیت آن است.

حال مسئله‌ای که اینجا مطرح می‌شود این است که آیا پول هم به عنوان مورد معامله محسوب می‌شود تا این شرط نیز در مورد آن صادق باشد. در پاسخ باید بگوییم که افزون بر روایت ذکر شده، ساختار عقود معوض بر آن است که هر یک از طرفین به دنبال رسیدن به سود بیشتر و پیشرفت وضعیت مالی خود هستند و این امر در صورتی برآورده می‌شود که

عوضین در بیشتر معامله‌ها دارای تعادل مالی معقول باشد تا ذهن معامله‌گر، ورود به بحث خرید و فروش را تجویز کند. پول نیز در اکثر مبادله‌های قراردادی به‌عنوان یکی از عوضین قرار می‌گیرد. در نتیجه، فارغ از اعتنا و اعتماد عمومی به آن باید در نظر عرف دارای ارزش معلومی باشد تا وجهه اقتصادی قرارداد تضمین شود. در موضوع بحث ما، برفرض پول بودن ارزش‌های دیجیتالی، معلومیت ارزش این ارزها، لابد منه خواهد بود و صرف تعیین قیمت دستوری کفایت نخواهد کرد، ولی در سیره عقلایی آنچه معتبر است روش‌هایی است که مبتنی بر سهل‌انگاری و تسامح نباشد، بلکه بر پایه دقت استوار باشد؛ به بیان دیگر، دقت‌های عقلایی معتبر است، نه سهل‌انگاری‌های عقلا (امام خمینی، ۱۴۱۰ق، ص ۲۲۸). در نتیجه، در بررسی روش‌های عرفی این نکته باید در نظر گرفته شود که فعل عقلا و عرف زمانی مورد تأیید شرعی است که برگرفته از دقت نظر عقلایی باشد و صرف شیوع یک عمل در عرف و جامعه هرچند به عقلا استناد داده شود، نمی‌تواند دلیل تأیید شرع باشد.

در همین زمینه در شیوه کار ارز دیجیتالی توضیح مختصری باید گفت و آن اینکه شیوه اثبات عمل، مسئله ریاضی و حساب‌هایی وجد دارد که ساده نبوده و پیچیده هستند و استخراج‌کنندگان باید آن معادله را حل کنند؛ بنابراین، اگر از جهت دیگر به این سؤال نگاه کنیم، این شیوه به صورت مسابقه است. از سوی دیگر توکن‌های جدید ارز دیجیتال به گونه جدید، دارای نمونه است؛ برای مثال، جایزه از سوی شبکه به اولین کاربری که مسائل مربوط به هر معما را حل کرده است، اهدا می‌گردد؛ به این معنا که ایجاد ارز دیجیتال در این نظام به گونه اتوماتیک است و واحدهایی که دارای اعتبار هستند را به‌عنوان پاداش به فعالیت قرار می‌دهند و این در حالی است که طراحان برای ایجاد پول زحمت نکشیدند و جایگزینی برای آن‌ها در خارج وجود ندارد هم‌چنین معین نیست که این پاداش‌ها چگونه حلق شده‌اند و ارزش آن‌ها هم تابع برخی از عواملی است. پس ماهیت این ارزها ابهام دارد و از نظر فقهی عدم تعیین و وجود ابهام در ارزش مانع از صحت معامله می‌شود. نکته حائز اهمیت دیگر اینکه شرط‌های دیگری مثل اهلیت طرفین معامله و ... نیز طبق مستندات فقهی و قانونی (ماده ۱۹۰ بند اول قانون مدنی) از جمله شروط صحت در عقد است که با توجه به فقدان شرط معلوم بودم موضوع معامله، وضعیت این هم مورد هم کاملاً مشخص است.

نتیجه گیری

در جمع بندی و نتیجه این مقاله باید گفت ماهیت ارز دیجیتال در زمینه کسب سود و درآمدزایی با توجه به چارچوب و ساختارهای متفاوتی که از زمینه فقه بیان شد، به دلیل وجود ابهام در موضوع، اشکال وجود دارد و همچنین با توجه به این روند، ماهیت فعلی استفاده از ارزهای مجازی دال بر حرمت آن است تا آنجا که حتی عقد جعاله که دارای سازگاری بیشتری نسبت به سایر قالب و فرض ها داشت به علت ابهام کلی در مالیت اصل ارز دیجیتال و جعل استفاده، با مشکل مواجهیم؛ بنابراین، باید بگوییم که با توجه به توسعه انواع متفاوت ارزهای دیجیتالی باید حکم استفاده هر ارز را به صورت جداگانه با مبانی اسلامی تطبیق داد.

بر اساس همین رویکرد از حیث فقه فردی اگر پاداشی که در ازای فعالیت استفاده ارز دیجیتالی پرداخت می شود، امری اعتباری باشد که در نظام پولی مابازاء نداشته و اعتباری نامعتبر باشد، عقد جعاله منعقد نمی شود و همچنین عقد مشارکت در این زمینه فاقد جایگاه مناسب است؛ بنابراین، این موضوع حتی در سطح کلان نگر اگر فعالیت هر یک از اعضای جامعه منجر به تضعیف نظام پولی و اقتصادی در جامعه شود، قطعاً برخلاف مصلحت عمومی جامعه بوده و جایز نیست، اما این عدم جواز به این معنا نخواهد بود که از قابلیت و ظرفیت های ارزهای دیجیتالی عبور کرد و به صورت همیشگی مورد نهی قرار بگیرد، بلکه می توان با کشف شیوه هایی که امکان ارزش گذاری ماهیت ایجاد شده را داشته باشد و مدل بومی این نوع از ارزها را که ابهامات فقهی در آن برطرف شده باشد، جایگزین کرد می توان از مزایا و قابلیت آن بهره جست.

فهرست منابع

۱. آذرنیوار، محمد. (۱۳۹۶). «ده دلیل برای اینکه ارزهای دیجیتال اقتصاد ایران را متحول خواهند کرد»، قابل دسترسی در سایت ارزهای دیجیتال.
<https://arzdigital.com/۱۰-ways-digital-currencies-will-change-the-iran/>
۲. انصاری، شیخ مرتضی. (۱۴۱۱ق). کتاب المکاسب. (چاپ اول). قم: منشورات دارالذخائر.
۳. بیات، فرهاد. (۱۳۹۸). شرح جامع قانونی مدنی. تهران: نشر ارشد.
۴. بیانات امام خامنه‌ای. (۱۳۹۴). پایگاه اطلاع رسانی دفتر رهبر معظم انقلاب اسلامی.
۵. توکلی، محمدرضا. (۱۳۹۷). مختصر حقوق تجارت. تهران: نشر مکتوب آخر.
۶. جاویدنیا، جواد. (۱۳۸۸). جرایم تجارت الکترونیکی. تهران: انتشارات خرسند.
۷. جلالی فراهانی، امیرحسین. (۱۳۸۹). درآمدی بر آیین دادرسی کیفری سایبری. تهران: خرسندی.
۸. حکیم، محمدتقی. (۱۴۱۸ق). الاصول العامه للفقهاء المقارن. قم: المجمع العالمی لاهل البيت.
۹. رجبی، ابوالقاسم. (۱۳۹۳). بیت کوین ابزاری نوین در نظام پرداخت الکترونیکی. مرکز پژوهش‌های مجلس.
۱۰. رضایی صدرآبادی، محسن. (۱۳۹۹). تبیین اقتصادی ماهیت پول‌های مجازی و تحلیل آن از منظر اقتصاد اسلامی. پایان‌نامه دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۱۱. رفیعی، عقیل. (۱۳۹۷). بایسته‌های ارز دیجیتال در نظام حقوق کیفری ایران. همایش مدیریت و کسب‌وکار الکترونیکی با رویکرد اقتصاد مقاومتی.
۱۲. سلیمانی پور، محمدمهدی؛ سلطانی نژاد، حامد؛ پورمطهر، مهدی. (۱۳۹۶). «بررسی فقهی پول مجازی». دوفصلنامه علمی پژوهشی. تحقیقات مالی اسلام، سال ششم.
۱۳. سیاه بیدی کرمانشاهی، سعید؛ کناری زاده، حمیدرضا. (۱۳۹۷). «بررسی اجمالی مقررات ارز دیجیتال و پیامدهای قانونی آن». پژوهشنامه حقوق فارس. سال اول، شماره اول.

۱۴. صدر، محمدباقر. (۱۴۱۰ق). خطوط تفصیله عن اقتصاد المجتمع الاسلامی. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
۱۵. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. (۱۰۵۰ق). منطق نوین مشتمل بر اللمعات المشرقیه فی الفنون المنطقیه. (چاپ اول). تهران: نشر آگاه.
۱۶. طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۹۳). المیزان فی التفسیر القران. (چاپ اول). بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۷. عاملی، محمدحسن. (۱۴۰۴ق). وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریع. قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام لإحياء التراث.
۱۸. عبدی پور، ابراهیم. (۱۳۸۹). تحلیل حقوقی ماهیت پول الکترونیکی. سال هفتم، شماره شانزدهم.
۱۹. عیوضلو، حسین. (۱۳۹۸). «تحلیل فقهی اقتصادی استخراج ارزهای مجازی در نظام اقتصاد اسلامی». مطالعه موردی بیت کوین. معرفت اقتصادی. سال یازدهم شماره اول.
۲۰. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۵). دوره مقدماتی حقوق مدنی. اموال و مالکیت. تهران: نشر میزان.
۲۱. کلینی، ابوجعفر. (۱۴۰۷ق). الکافی. (ج ۱۷، چاپ اول). قم: دارالکتب الاسلامیه.
۲۲. محقق حلی، ابوالقاسم. (۱۴۰۹ق). شرایع الاسلام. تهران: نشر استقلال.
۲۳. محمودی، اصغر. (۱۳۹۸). «تحلیل ارزهای مجازی در پرتو فقه، حقوق مطالعات تطبیقی». فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی. دوره ۴۹، شماره ۳.
۲۴. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۶). مجموعه آثار. (چاپ اول). قم: نشر صدرا.
۲۵. مغنیه، محمدجواد. (۱۳۸۸). علم اصلاً الفقه فی فوبه الجدید. (چاپ اول). دارالکتاب الاسلامی.
۲۶. موسوی بجنوردی، سید محمد. (۱۳۷۲). «نظرخواهی از فقها پیرامون مسائل فقهی و حقوقی ناشی از کاهش ارزش پول»، تهران: مجله رهنمون، شماره ششم.
۲۷. موسوی خمینی، سید روح الله. (۱۴۲۱ق). کتاب بیع. (چاپ اول). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

۲۸. ناینی، محمدحسین. (۱۴۱۳ق). المكاسب و البيع. (چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۹. نوری، حسین بن محمدتقی. (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام، الاحیاء التراث.
۳۰. نوری، علیرضا. (۱۳۹۶). «طراحی مفهومی سیاست گذاری ارزهای مجازی در اقتصاد ایران». فصلنامه علمی پژوهشی سیاست گذاری عمومی. دوره ۳، شماره چهارم.
۳۱. یزدی، سید محمدکاظم طباطبایی. (۱۴۰۹ق). العروة الوثقی فیما به البلوی. (ج ۱). بیروت: نشر مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
32. European Central Bank. (2012), “Virtual Currency Schemes”. Technical Report, October.
33. Satoshi Nakamoto (2009), “Bitcoin: A Peer-to-Peer Electronic Cash System”, satoshin@gmx.com www.bitcoin.org.